

خدا چون سلام به روی ماهت...

یک روز مرخصی برای

# شاهزاده گورا



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



نویسنده:

لورا ایمی اشلیتس

تصویرگر:

برایان فلوکا

مترجم:

نگار عباس پور



سرشناسه: اشلیتس، لورا امی. ۱۹۵۵- م. : Schilitz, Laura Amy.  
عنوان و نام پدیدآور: یک روز مرخصی برای شاهزاده کورا/ نویسنده لورا امی اشلیتس؛  
تصویرگر: برایان فلوکا؛ مترجم: نگار عباس پور  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۶  
مشخصات ظاهری: ۸۰ص.؛ مصور(رنگی). (۱۴/۵×۲۱/۵)س.م.  
شابک: ۹-۱۴۸-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: 2017, princess Cora and the crocodile  
یادداشت: گروه سنی: ب.  
یادداشت: گروه سنی: ب، ج.  
موضوع: داستان‌های تخیلی.  
موضوع: Fantastic Fiction  
شناسه‌ی افزوده: فلوکا، برایان، تصویرگر  
شناسه‌ی افزوده: Floca, Brian  
شناسه‌ی افزوده: عباس پور، نگار، ۱۳۶۸- مترجم  
رده‌بندی دیوینی: ۱۳۹۶ ی ۱۳۶۳۳ش ۱۳  
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۲۵۷۴۶



انتشارات پرتقال  
یک روز مرخصی برای شاهزاده کورا  
نویسنده: لورا امی اشلیتس  
تصویرگر: برایان فلوکا  
مترجم: نگار عباس پور  
ویراستار: سیده سودابه احمدی  
مدیر هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور  
طراح جلد نسخه‌ی فارسی: امیر علایی  
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سحر احدی  
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم  
شابک: ۹-۱۴۸-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸  
نوبت چاپ: اول- ۹۷  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شادرنگ  
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۲۵۶۶



۰۲۱-۶۲۵۶۶

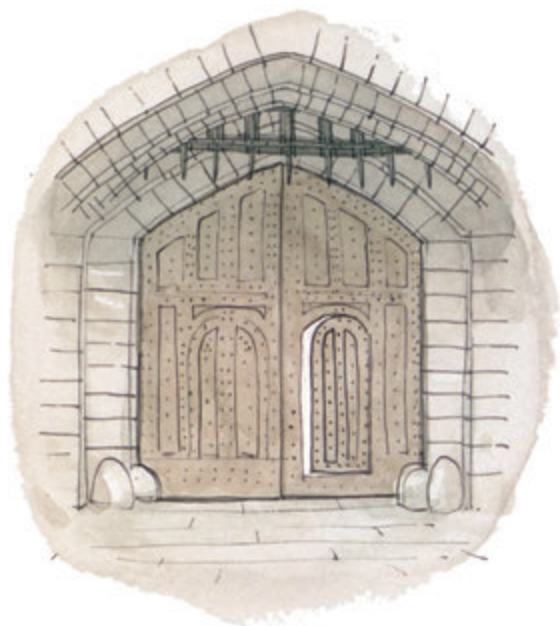


www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com





برای پدرم، جناب پادشاه

و

مادرم، خانم ملکه

ن.ع.





## فصل یک



وقتی شاهزاده کورا به دنیا آمد، پدر و مادرش فکر می کردند  
که او مثل دانه ی برف، زیبا و بی نقص است.  
پادشاه با خوشحالی فریاد زد: «چشم های درشت آبی رنگش  
را ببین!»  
ملکه با خوشحالی گفت: «پنجه هایش را ببین!» و پاهای نوزاد  
را بوسید. «انگشت هایش مثل مرواریدهای صورتی رنگ اند!»

پادشاه گفت: «دختر کوچکمان روزی ملکه می‌شود!»  
ناگهان ملکه نگران شد، پادشاه هم همین‌طور. چون  
چشم‌های آبی‌رنگ و پنجه‌های صورتی برای فرمانروایی  
سرزمین، کمکی به شاهزاده‌کورا نمی‌کردند.  
ملکه گفت: «باید آموزشش بدهیم.»  
پادشاه گفت: «باید تربیتش کنیم.»



این شد که از همان روز، پادشاه و ملکه آموزش  
شاهزاده‌کورا را شروع کردند. آن‌ها یادشان رفت که دخترشان  
بی‌عیب و نقص است و می‌ترسیدند مشکلی برایش پیش  
بیاید. تا وقتی شاهزاده‌کورا هفت‌ساله شد، دقیقه‌ای نبود که  
در حال آموزش نباشد.







پادشاه و ملکه پرستاری استخدام کردند تا مطمئن شوند شاهزاده کورا همیشه تمیز و مرتب است. پرستار فکر می‌کرد تمیز بودن مهم‌ترین چیز دنیا است. او شاهزاده کورا را مجبور می‌کرد روزی سه مرتبه حمام کند و مثل یک شاهین مراقب بود شاهزاده سر تا پایش را بشوید.

پرستار همیشه می‌گفت: «برو داخل وان حمام! آن قدر